

The Quantification of Landscape Metrics in the Protected Areas: The Case Study of Sorkhabad Protected Area, Zanzan Province, Iran

Seyedeh Fariba Hosseini*

MSc Holder in Land Use Assessment and Planning, Faculty of Natural Resources, University of Guilan, Iran

(Received: June 21, 2021; Accepted: September 15, 2021)

Abstract

One of the environmental hazards and ecological crises that our world is facing now is the phenomenon of land use change. The timely and accurate detection of these changes and land features has an essential role in better understanding the relationships and interactions between human and natural phenomena in order to better manage and use natural resources using theoretical-analytical method. The present study examined and analyzed metrics related to a period of over 30 years. Sorkhabad Protected Area was selected as the target area. The TM-ETM_OLI image series of Landsat satellite in two periods were exploited to investigate the trend of changes using Envi software and the maximum probability classification method with 86% accuracy of information. Then, the available metrics in Fragstate software were used to process the data at three levels, namely patch, class, and landscape. Along with analyzing and evaluating these three levels, the changes in vegetation and animal distribution changes map – prepared by the Zanzan Environmental Research Center foresters in order to map the distribution of native animals of the province – was also examined. The results showed that the conversion of pasturelands into agricultural lands has caused the loss of soil and vegetation and has negatively affected the habitat and population of caracal and deer species that are dependent on these environments. Moreover, overgrazing and deforestation have reduced the growth of forestlands; this has led to the destruction of the habitat of leopard and brown bear, and these changes have also contributed to habitat destruction.

Keywords

land cover change, landscape, protected area, Sorkhabad, Zanzan.

* **Corresponding Author, Email:** fariba.hosseini1992@gmail.com

کمی سازی سنجه های سیمای سرزمین در منطقه حفاظت شده (مطالعه موردی: منطقه حفاظت شده سرخ آباد استان زنجان)

سیده فریبا حسینی*

کارشناسی ارشد ارزیابی و آمایش سرزمین، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه گیلان، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۳۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۴)

چکیده

یکی از مخاطرات محیطی و بحران های اکولوژیک که جهان ما امروزه با آن روبرو است پدیده تغییرات کاربری اراضی می تشخیص به موقع و درست این تغییرات و عوارض سطح زمین نقش اساسی در درک بهتر روابط و تعاملات بین پدیده های انسانی و طبیعی به منظور مدیریت بهتر و استفاده از منابع طبیعی را فراهم میکند. مطالعه حاضر بررسی و تحلیل سنجه ها در یک بازه زمانی ۳۰ ساله را مبنای قرار داده است. منطقه حفاظت شده سرخ آباد به عنوان بیس کار انتخاب شده. جهت این امر با استفاده از تصاویر ماهواره ای لندست سری TM-ETM_OLI در دو دوره زمانی اقدام به بررسی روند تغییرات با استفاده از نرم افزار Envi به روش طبقه بندی حداکثر احتمال و با ۸۶ درصد صحت اطلاعات پرداخته و سپس با استفاده از سنجه های موجود در نرم افزار Fragstate برای پایش در سه سطح لکه - کلاس - سیما پرداخته شده است. پس از تحلیل و ارزیابی این سه سطح و همچنین نتایج حاصل از تغییرات پوشش گیاهی و نقشه پراکنش جانوران که از مرکز تحقیقات زیست محیطی استان زنجان به منظور تهیه پراکنش جانوران بومی استان توسط محیط بانان تهیه شده بوده رقومی گشته و مورد استفاده قرار گرفت نتایج نشان داد که تبدیل زمین های مرتعی به اراضی کشاورزی باعث از دست رفتن خاک و پوشش گیاهی شده و زیستگاه و جمعیت گونه های سیاه گوش و آهو که وابسته به این محیط ها بوده اند تاثیر منفی گذاشته است و با چرای بی رویه دام و جنگل تراشی باعث کاهش رشد اراضی جنگلی که زیستگاه پلنگ و خرس قهوه ای مورد تخریب واقع شده که این تغییرات هم در جهت تخریب زیستگاه عمل کرده است. در این تحقیق استفاده از روش نظری- تحلیلی به عنوان روش کار برای بررسی و آنالیز پژوهش استفاده شده است.

کلمات کلیدی

تغییر پوشش - سیمای سرزمین - منطقه حفاظت شده - سرخ آباد- زنجان.

* نویسنده مسئول، رایانامه: fariba.hosseini1992@gmail.com

مقدمه

ساختار(نوع، شکل، اندازه قطعه زمین، و ارتباطات بین لکه ها) عملکرد (بویایی جانداران و زیستگاه ها، غذا و جریان آب و هوا) و تغییرات (اختلالات و تعارضات تغییر اقلیم و خرد شدن زیستگاه ها) به عنوان سه اصل پایه در مطالعات بومشناسی سیمای سرزمین هستند که دارای ارتباط متقابل با همدیگر میباشند (طالبی و دیگران ۱۳۸۸ ص ۱۴۴). سنجه های سیمای سرزمین (Landscape Metric) شاخص های اساسی جهت اندازه گیری کمی سازی متریک ها هستند (Forman et al_1986_P_619). تغییرات سیمای سرزمین می تواند به سبب عوامل طبیعی و انسانی بوجود آید، احداث جاده - قطع درختان - تخریب جنگل ها - افزایش حجم ساخت و ساز و توسعه صنعتی را میتوان از جمله فعالیت های انسانی نامبرد که ساختار سیمای سرزمین را تغییر داده و عملکرد آن را مختل می کند (Narumalani_2004_P_478).

ونگ و همکاران در سال ۲۰۰۹ از تکنیک های سنجش از دوری اشکارسازی تغییرات و سنجه های سیمای سرزمین از قبیل تعداد لکه - تراکم لکه - تراکم حاشیه - شاخص بزرگترین لکه - میانگین مساحت لکه - شاخص شکل سیمای سرزمین - و شاخص تنوع شانون به ارزیابی تغییرات سیمای سرزمین در یک دوره ده ساله (۱۹۹۶-۲۰۰۲) در شهر هانگزو (Hang zhou) واقع در سواحل شرقی چین پرداختند نتایج آنها رشد سریع شهری را ناشی از تغییر لکه هایی از سایر کاربری ها (مرتفع - کشاورزی - آب) به کاربری شهری نمایش دادند و بیان کردند در طول این ده سال پس زمینه سیمای سرزمین از کشاورزی به شهری تغییر کرده است (Lausch, & Herzog. 2000).

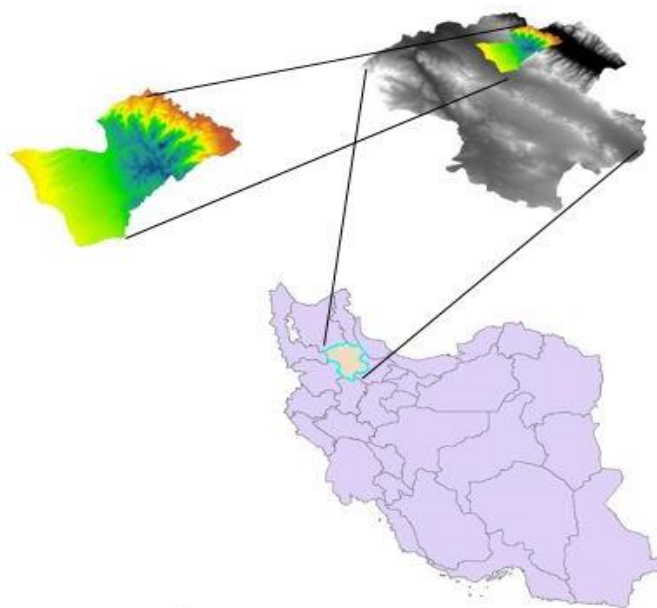
در مطالعه ای دیگر دی باروس و همکاران با استفاده از سنجه های اندازه - شکل - تراکم - توزیع و همسایگی تخریب سریع جنگل های آمازون را در روندو نیا (Rondonia) برزیل بررسی نمودند و اظهار داشتند در صورت ادامه این روند تا سال ۲۰۲۰ وسعت چشمگیری از این جنگل ها رو به نابودی خواهند رفت (Deng et al_2009).

در ایران نیز مطالعاتی مبنی بر استفاده از سنجه های سیمای سرزمین صورت گرفته است بطور مثال تحلیل تخریب سیمای سرزمین حوزه آبخیز نکا با استفاده از سنجه های اکولوژی سیمای سرزمین مورد بررسی قرار گرفت تحقیق نشان داده با توجه به وقوع سیلاب های متعدد در حوزه

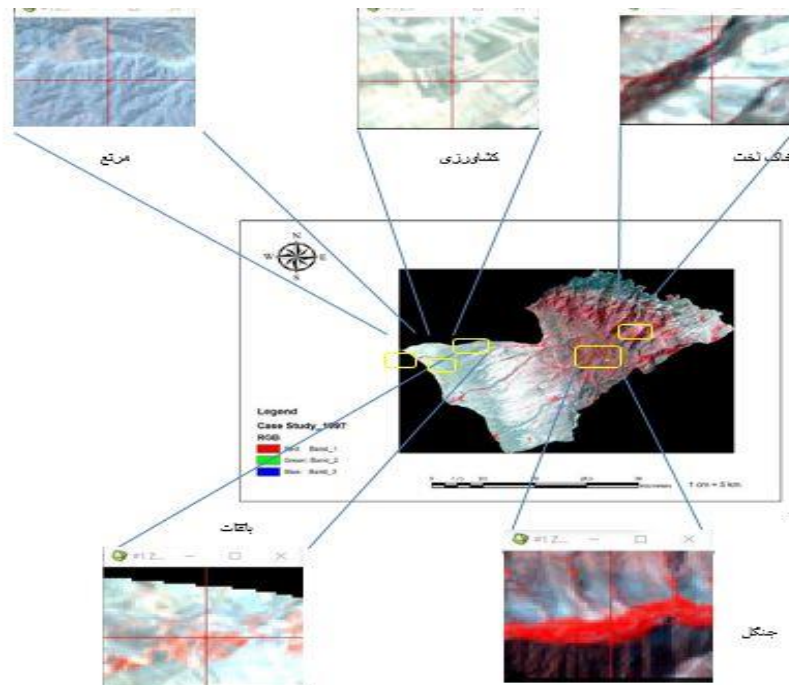
آب‌خیز نکا احتمال تخریب پوش گیاهی طبیعی - افزایش وسعت اراضی بایر و چرای بی رویه دام با افزایش سطوح اراضی نفوذ ناپذیر و کاهش قابلیت نگهداری بارش - ضریب رواناب سطحی را در منطقه افزایش داده است (De Barros et al_2005).

مشخصات تصویر استخراج شده منطقه مورد مطالعه

عرض برداشت (متر)	تعداد باندها	Patch	Row	تاریخ برداشت تصویر	نوع سنجنده
185*185	11	166 167	34 35	2017/june/21 2017/june/28	TRIS و OLI لندست ۸
185*185	7	166 167	34 35	1997/Aag/24 1997/Aag/31	TM لندست ۴-۵
185*185	4	166 167	34 35	1987/Aag/6 1987/Aag/13	MSS 1-5



منطقه مورد مطالعه - منطقه حفاظت شده سرخ آباد



نمودار طیفی پوشش - مقیاس ۱/۱۰۰۰۰

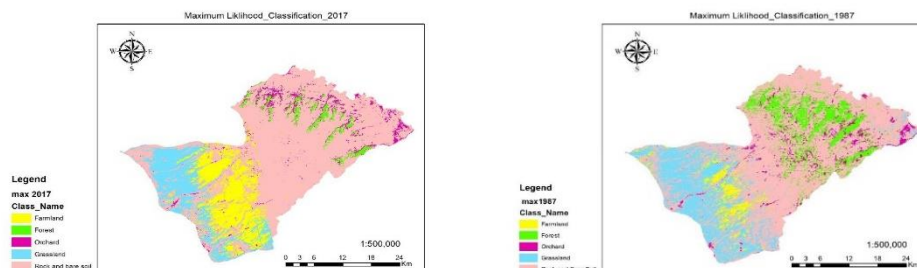
طبقه بندی (Classification)

در این مرحله هریک از پیکسل های تصویر یا مجموعه اطلاعاتی که طبقه بندی می شوند با نشانه های طیفی نمونه ها که در مرحله قبل ایجاد شده است مقایسه می گردند و هر گروه از پیکسل ها به یکی از طبقات نمونه گیری شده کاملاً مجزا شده و هر طبقه یا کلاس دارای کد خاصی می باشند ضمناً چنانچه گروهی از پیکسل ها به هیچ یک از طبقات اختصاص نیافته باشند به شکل طبقه ای مجزا و یا ناشناخته معرفی میشوند .

استفاده از حداکثر احتمال (Maximum Likelihood)

در این روش که از سایر روشهای موجود برای طبقه بندی دقیق تر است میزان کمی واریانس و همبستگی ارزشهای طیفی باندهای مختلف برای مناطق نمونه محاسبه میشوند و از همین خاصیت برای ارتباط یک پیکسل طبقه بندی شده به یکی از گروه ها یا نمونه های طیفی نیز استفاده میشود . به بیان دیگر برای بررسی نحوه توزیع ارزشهای طیفی و احتمال آماری ارتباط یک پیکسل به یکی

از گروه‌های نمونه از ماتریکس واریانس و بردار پشتیبان که خود واریانس و همبستگی ارزش‌های طیفی را تعریف می‌کنند استفاده می‌شود.



مقایسه پوشش اراضی در دو سال ۱۹۸۷ و ۲۰۱۷

تعریف سیمای سرزمین

بطور کلی به معنای سیمای سرزمین در مقابل وازه سرزمین بکار می‌رود. سرزمین بیانگر تعدادی از پارامترهای سطحی یا نزدیک سطح به کره زمین که برای انسان اهمیت دارد می‌باشد. این پارامترها بطور انفرادی و در رابطه با یکدیگر باهم متفاوت اند چنین تفاوت‌هایی که ویژگی سرزمین مختلف را موجب می‌شود مجموعه این پارامترها را منابع طبیعی و یا منابع اکولوژیک می‌نامند (مخدوم و همکاران ۱۳۹۲). به عبارت دیگر مساحتی از سرزمین نا همگن که دارای اکوسیستم‌هایی است که با هم بر هم کنش دارند و در طول سرزمین به فرم مشابهی تکرار می‌شوند (Forman, R., & Godron, M., 1986).

سیمای سرزمین چیدمانی است که در آن ترکیبی از اکوسیستم‌های محلی یا کاربری‌های سرزمین در یک منطقه و در فرم مشابهی تکرار شده‌اند

(Apan et al 2002). سیمای سرزمین ناهمگن و متشکل از گروه‌هایی از اکوسیستم‌ها یا واحدهای تأثیر گذار بر یکدیگر بوده و فرمی مشابه در سراسر آن تکرار می‌شود و سه خصوصیت آن ساختار، کارکرد، و تغییر و پویایی است

(Forman, R., & Godron, M., 1986). سیمای سرزمین شهرها محل زندگی بیش از نیمی از جمعیت انسانی بوده و به عنوان مراکز توسعه اقتصادی _ اجتماعی منشاء مسائل مهم محیط زیست هستند و نیرو محرکه اصلی تخریب محیط زیست به حساب می آیند .

عناصر ساختاری سیمای سرزمین

عناصر ساختاری یعنی سه عنصر اصلی بستر یا ماتریس لکه و کریدور و ماهیت سیمای سرزمین را تعریف می کنند مجموعه لکه ها یک موزاییک و مجموعه کریدور ها یک شبکه را تشکیل می دهند ، آرایش فضایی موزاییک و شبکه ها الگوی سیمای سرزمین را تشکیل داده و سیمای سرزمین بوسیله این الگوها از لحاظ ساختاری متمایز میشوند (Burel, F. ,& Baudry, J., 2003). به عنوان مثال رودخانه به عنوان یک کریدور طبیعی ، شبکه شهر ماتریس و لکه های طبیعی و لکه های ساخت و ساز به عنوان لکه های ناهمگن پیرامون این کریدور تلقی می گردند . بر اساس این اصل می بایست در جهت ایجاد میزان بالاتری ناهمگنی با ایجاد ارتباط بین لکه های کوچک تر طبیعی تر و کاهش تراکم لکه های بزرگ ساخت و ساز تلاش نمود (لاریجانی و همکاران ۱۳۹۲) .

لکه

شامل یک واحد سیمای سرزمین یا بخش نسبتاً همگنی از سرزمین بوده که دارای یک ساختار سلسله مراتبی است . قطعات غیر خطی هستند که از نظر پوشش اراضی یا محیط پیرامونشان متفاوت اند (شعبانی و همکاران ۱۳۸۹). در حقیقت واحد تشکیل دهنده ساختار سیمای سرزمین که ها هستند. لکه یکی از مهمترین اجزای ساختاری سیمای سرزمین میباشد و عبارت است از یک اکوسیستم قابل تشخیص با ناحیه نسبتاً همگن از محیط پیرامونی خود متمایز می باشد . در بیشتر موارد تمایز لکه از محیط پیرامون از طریق ویژگی های فیزیکی ترکیبی از هر دو و در تشخیص لکه ها در بستر سیمای سرزمین موثر است (زبردست و همکاران ۱۳۹۴). لکه ها بر اساس خاستگاه نحوه شکل گیری در پنج دسته طبقه بندی میشوند لکه های اختلالی لکه های باقیمانده لکه های با منشاء طبیعی لکه های معرفی شده و لکه های احیاء شده (Forman , Gordon 1986 ,Forman 1995).

گذرگاه یا کریدور^۱

نوارهایی هستند که در هر دو سو با ماتریس در برگیرنده خود تفاوت‌هایی دارند به عبارت دیگر عناصر و باریکی که از هر دو سو با محیط اطراف خود تفاوت دارند و ارتباط لکه‌ها را برقرار می‌نمایند (کیانی ۱۳۹۳). کریدور‌ها باریکه‌ای از سرزمین که لکه را بهم متصل می‌کند و به عنوان مجرای برای انتقال و جابجایی زیست‌مندان از لکه‌ای به لکه‌ای دیگر عمل می‌کند (Barnes, T.G 2000)

ماتریس یا بستر

گسترده‌ترین و پیوسته‌ترین عنصر سیمای سرزمین است و نقش عمده‌ای بر عملکردهای آن (نظیر جریان انرژی - ماده و جانداران) ایفا می‌کند (Forman, Gordon 1986).

شاخص‌های کمی سیمای سرزمین

به وسیله تعداد وسیعی از شاخص‌های عددی (متریک‌های سیمای سرزمین) میتوان ویژگی‌های ساختاری سیمای سرزمین را توصیف نمود، واژه شاخص شکل کلی تری داشته و ممکن است خود شامل چند متریک باشد اما متریک خاص تر بوده و به هر یک از کمیت‌های قابل مقایسه در سیمای سرزمین گفته میشود متریک‌های طبقات لکه‌ها یا کل موزاییک لکه‌ها (سیمای سرزمین) را فراهم می‌کند (زبر دست و همکاران ۱۳۹۴). این متریک‌ها ابزاری هستند که وضعیت هندسی و مکانی یک لکه یا شبکه‌ای از لکه‌ها را مشخص می‌کنند. (کیانی ۱۳۹۳).

سطوح و درجات محاسبه متریک‌ها

متریک‌ها در سه درجه لکه^۲ و کلاس^۳ و سیمای سرزمین^۴ طبقه‌بندی میشوند.

متریک‌های سیمای سرزمین

متریک‌های سیمای سرزمین در اواخر ۱۹۸۰ بر اساس نظریه تئوری اطلاعات ارائه میشوند و در زمینه‌های متعددی از جمله ارزیابی تغییرات کاربری، ارزیابی منابع آب، و مدیریت سرزمین و ارزیابی و مدیریت زیستگاهی حیات وحش و تعیین مناطق حفاظتی استفاده میشود

-
1. Corridor
 2. Patch
 3. Class
 4. Land scape

(جباریان ۱۳۹۴). بوم شناسی سیمای سرزمین با تفکر اینکه تغییر در الگوی سیمای سرزمین به شدت به ویژگی های بوم شناسی را تحت تاثیر قرار میدهد شکل گرفت (میرزایی و همکاران ۱۳۹۲). سیمای سرزمین عبارتست از موزاییکی با کیلومتر ها وسعت که در آن اکوسیستم های محلی و کاربری های زمین تکرار شده باشند. (Dramestad et al 1996) در واقع سیمای سرزمین عبارتست از سرشت و ویژگی های کلی یک منطقه سیمای سرزمین یک محدوده سرزمینی همگن است که از یک خوشه و اکوسیستم ها که دارای روابط مقابل هستند که به فرم مشابهی تکرار میشوند (Farina 1998).

سنجه های سیمای سرزمین دارای کاربرد در ارزیابی سریع اثرات توسعه می باشد و به خوبی در سامانه های اطلاعات جغرافیایی قابل مطالعه بوده و با تصویر های ماهواره ای نیز محاسبه میشوند و از این رو دسترسی به تعیین های از آنها به سرعت امکان پذیر است. اصول اکولوژی میتواند به عنوان رهیافتی همه جانبه نگر در ارزیابی و برنامه ریزی سیمای سرزمین استفاده شود. این رهیافت نه فقط مباحث اکولوژیکی و زیستی را در ارزیابی و برنامه ریزی سیمای سرزمین مطرح میکند بلکه به مباحث اقتصادی و جامعه شناسی نیز میپردازد و میتواند در برنامه ریزی و مدیریت سرزمین هایی که از نظر زیست محیطی پایدار تر و از لحاظ زیبایی شناختی و فرهنگی مناسب ترند، کمک کنند. اصول اکولوژی سیمای سرزمین میتواند انواع سیمای سرزمین را ارزیابی کند و راهبرد مدیریتی مناسبتری ارائه دهد از این علم می توان به منظور حفاظت از کاربری های پایدار و کاهش ناپایداری استفاده کرد تا از تخریب و ساده شدن و تکه تکه شدن این الگو های پیچیده جلوگیری شود (کرمی _ فقهی ۱۳۹۰).

بسیاری از فعالیتهای انسان به علت بی توجهی به محدودیت های زیست محیطی بر سیمای محیط تاثیر گذار بوده و آثار زیست محیطی شدیدی را بر اکوسیستم طبیعی دارد سیمای سرزمین چیدمانی است که در آن ترکیبی از اکوسیستم های محلی یا کاربری سرزمین در یک منطقه و در فرم مشابهی تکرار شده اند (Apan et al_2002) تغییرات پوشش کاربری زمین در نتیجه فعل و انفعالات پیچیده عوامل ساختاری و عملکردی مرتبط با تقاضا ظرفیت تکنولوژیکی و ارتباطات اجتماعی آثار گسترده ای بر سیمای سرزمین دارد (Matsushita et al _ 2006). دوجنبه ی اساسی

ساختار سیمای سرزمین یعنی ترکیب و شکل فضایی لکه‌ها را می‌توان به کمک متریک‌های سیمای سرزمین نشان داد تنوع و فراوانی لکه را بدون توجه به مشخصات فضایی سیمای سرزمین به موقعیت اجزای در سه سطح سیمای سرزمین اشاره دار (Leitao et al_2006) مبنای اصلی برای فرآیند لکه‌لکه‌شدگی آورده شده یکی از مهمترین فرایندهای موجود در سیمای سرزمین برای نشان دادن فعالیت انسان در طبیعت در ایجاد اختلال در سطح ساختار و عملکرد سیمای سرزمین است (Ahern & Andre_2003). در فرآیند لکه‌لکه‌شدگی سیمای سرزمین به لکه‌های کوچکی تقسیم میشود در ابتدای لکه‌لکه‌شدگی تنوع زیستی در داخل لکه به دلیل حذف گونه غالب اکولوژیک افزایش پیدا کرده ولی پس از مدتی به دلیل بهم خوردگی سلسله مراتب زیستی بین گونه‌ها داخل لکه خطر انقراض افزایش برای همه گونه‌های داخل لکه زیستی بوجود خواهد آمد (Forman.1995). از دیدگاه انسانی هرچه لکه‌لکه‌شدگی بیشتر باشد نشان دهنده تراکم جمعیتی بیشتر به دلیل میزان دسترسی بیشتر و آلودگی بیشتر در مناطق مقروض خواهد بود. ارزیابی ویژگی‌های ساختاری و اولویت بندی فضاها مبنای اکولوژیکی دارد تا آن فضا‌های که ارزش اکولوژیکی بالایی دارند در اولویت بندی حفاظت قرار گرفته و در توسعه زیستگاههای اطراف این فضاها می‌گردد با ایجاد شبکه اکولوژیکی توسط گسترش گیاهان بومی بین فضا‌های باقیمانده ارتباط اکولوژیکی برقرار شده و کیفیت اکولوژیکی افزایش می‌یابد و همچنین فضاهایی که فاقد ارزش اکولوژیکی باشند به توسعه اختصاص می‌یابند (میر نوروزی ۱۳۸۳).

شبکه‌های اکولوژیکی که پیوستگی لکه‌هایی با منشاء اکولوژیک حاصل میشود یکی از بهترین راهکارها جهت احیای عملکرد اکولوژیکی در محیط شهری میباشد (Cook, 2002) در اکوسیستم‌های محیط زیست پیوستگی عناصر ساخته شده عموماً زیاد ولی پیوستگی سیستم‌های طبیعی کم است. پیوستگی کم سیستم‌های طبیعی در شهرها باعث خردانگی، جداسازی، و انزوا عناصر لندسکیپ شهری شده و اثرات چشمگیری روی فرآیندهای اکولوژیکی خاص که نیاز به پیوستگی دارند مانند حرکت و جابجایی گونه‌ها میشود.

احیاء پیوستگی ساختاری در مقیاسهای فضایی مختلف در محیط زیست‌ها باعث حفظ پیوستگی عملکردی میشود و در نهایت پایداری را در سیمای سرزمین و محیط زیست افزایش

میدهد. در حقیقت پیوستگی ساختاری عناصر مولد خدمات اکولوژیکی در سرزمین ها منشاء پایداری است (Arhen, 2011).

متریک های مورد استفاده

جدول محاسبه متریک های مورد استفاده در سال ۱۹۸۷

FRAC	ENN_MN	PARA	ED	TE	CA	LPI	
1.0279	1.2732	196.514	15.8669	1936980	25443.72	15.521	forest
1.0233	1.155	196.8995	18.608	1050840	7400.16	0.5149	orchard
1.029	1.2623	197.4639	32.2941	3942360	45606.24	14.4089	Rock & soil
1.0291	1.2526	195.7878	7.9548	971100	9907.92	4.1032	farmland
1.0255	1.229	199.0137	17.7587	2167920	33718.68	22.0633	grassland

جدول محاسبه متریک های مورد استفاده در سال ۱۹۹۷

FRAC	ENN_MN	PARA	ED	TE	CA	LPI	
1.0229	1.1975	198.0728	2.8805	352620	15483.96	12.6482	forest
1.0199	1.1232	195.6698	0.0029	360	3.24	31.8706	orchard
1.0268	1.2178	186.6187	0.0132	1620	9.72	0.3626	Rock & soil
1.0255	1.1861	195.7878	0.0029	360	3.24	14.8555	farmland
1.016	1.1541	200.8088	0.0029	360	3.24	18.2776	grassland

جدول محاسبه متریک های مورد استفاده در سال ۲۰۱۷

FRAC	ENN_MN	PARA	ED	TE	CA	LPI	
1.0375	1.3536	177.0944	4.697	575100	7325.64	0.9553	forest
1.0241	1.169	199.6487	8.4487	1034460	7614	0.5848	orchard
1.029	1.2517	189.0382	15.398	1885320	61443.36	21.8682	Rock & soil
1.0152	1.1288	202.8622	7.9871	977940	28955.88	11.4395	farmland
1.0294	1.2914	192.2012	5.6908	696780	17100.72	46.0704	grassland

جدول محاسبه تغییرات متریک های ۱۹۸۷-۲۰۱۷

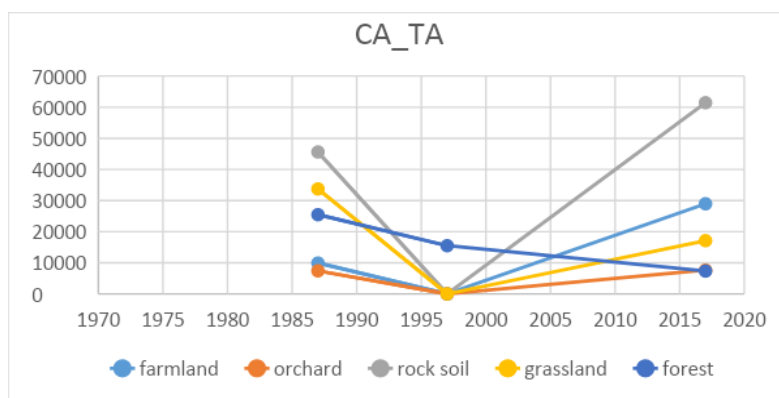
FRAC	ENN_MN	PARA	ED	TE	CA	LPI	
0/0096	0/0804	-19/4196	-11/1699	-1361880	-18118/08	-145657	forest
0/0008	0/014	2/7492	-10/1593	-16/380	213/84	0/0699	orchard
0	-0/0106	-8/4257	-16/8961	-2057040	15837/12	7/4593	Rock & soil
-0/0139	-0/1238	7/0744	0/0323	6840	19047/96	7/3363	farmland
0/0039	0/0624	-6/8125	-12/0679	-1471140	-16617/96	24/0071	grassland

نتایج تغییرات

نتایج حاصل از تغییرات حاکی از آن است که در کشف تغییرات طی دو بازه ۱۹۸۷-۱۹۹۷ و ۱۹۹۷-۲۰۱۷ بیشترین تغییرات در طبقه جنگل با ۲۰۹،۱۹ کیلومتر مربع و سپس باغات با ۲۶،۷۴ کیلومتر مربع و سپس طبقه سنگ با ۲۴،۸۴ کیلومتر مربع و نیز کمترین تغییر مربوط به طبقه کشاورزی با ۴،۸۱ و سپس مرتع با ۱،۱۹ کیلومتر مربع است.

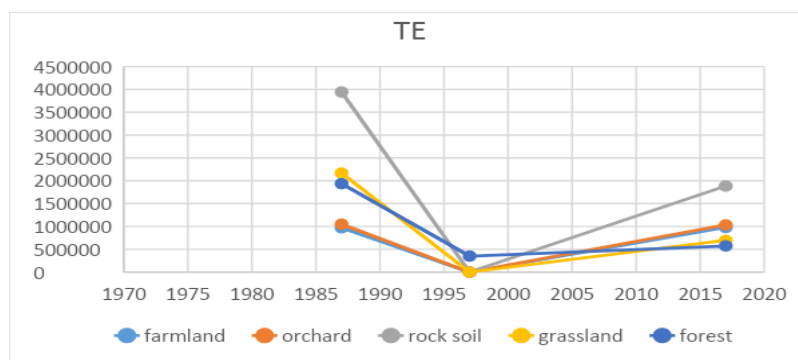
در بازه زمانی ۱۹۹۷-۲۰۱۷ طبقه جنگل با کاهش به مقدار ۷۲،۷۱ کیلومتر مربع رسیده و در این بازه بیشترین مساحت کاربری‌ها اختصاص به کاربری مناطق بدون پوشش با مساحت ۲۲۱،۶۲ کیلومتر مربع و سپس کاربری کشاورزی ۱۶۶،۶۳ کیلومتر مربع و کمترین میزان تغییرات به کاربری مرتع با مساحت ۱۲۲،۷۵ و در نهایت کاربری باغات با مساحت ۲۱،۱۲ کیلومتر مربع می‌باشد. در بازه ۱۹۸۷-۲۰۱۷ یعنی بازه زمانی ۳۰ ساله نتایج بدین گونه بوده است که مساحت جنگل کاهش یافته به مقدار ۷۱،۱۹ کیلومتر مربع رسیده، طبقه کشاورزی با مقدار ۷۴،۱۰ کیلومتر مربع و کاربری مناطق بدون پوشش با میزان ۳۹۶،۵۵ کیلومتر مربع بیشترین مساحت را به خود اختصاص داده سپس کاربری مرتع با مساحت ۱۳۵،۵۱ کیلومتر مربع روند افزایشی داشته و در نهایت کاربری باغات با مساحت ۲۷،۲۶ کیلومتر مربع کمترین میزان تغییر را به خود اختصاص داده است.

تحلیل یافته‌ها



متریک مساحت کاربری (CA)

متریک مساحت کاربری یکی از پر کاربرد ترین متریک ها در بررسی تغییرات سیمای سرزمین است. بیشترین مساحت کاربری اراضی در سال ۱۹۸۷ مربوط به کاربری مناطق بدون پوشش و لخت با مساحت ۴۵۶۰۶،۲۴ Ha سپس کاربری مرتع در رتبه دوم با مساحت ۳۳۷۱۸،۶۸ ha و پس از آن کاربری جنگل با مساحت ۲۵۴۴۳،۷۲ ha در رتبه سوم قرار دارد. و در سال ۲۰۱۷ بیشترین میزان مساحت در کاربری خاک لخت و مناطق بدون پوشش با مساحت ۶۱۴۴۳،۳۶ ha و مناطق کشاورزی با مساحت ۲۸۹۵۵،۸۸ ha در رتبه دوم و مناطق جنگلی در رتبه سوم با مساحت ۷۳۲۵،۶۴ ha می باشد نتایج بررسی ها نشان میدهد که مساحت مناطق باغات و خاک لخت و کشاورزی افزایش یافته نسبت به سال ۱۹۸۷ و به ترتیب برابر است با ۲۱۳،۸۴، ۱۵۸۳۷،۱۲، ۱۹۰۴۷،۹۶ و مناطق جنگلی و مرتعی کاهش یافته و به ترتیب برابر است با ۱۸۱۱۸،۰۸- و ۱۶۶۱۷،۹۶- ha میباشد.

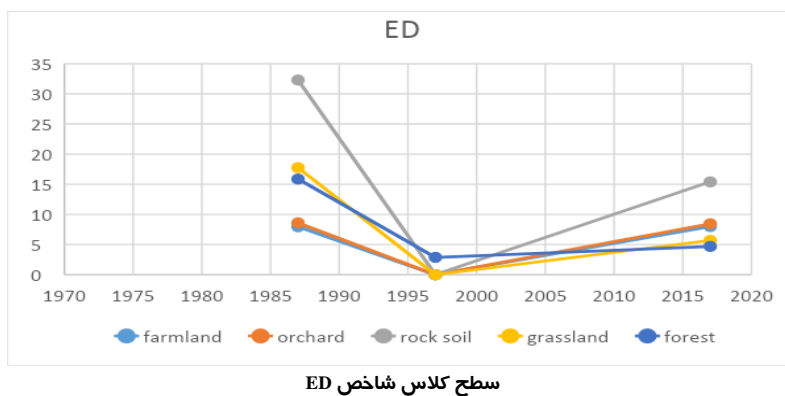


سطح کلاس شاخص TE

متریک کل حاشیه (TE)

متریک کل لبه یکی از متریک های پیکره بندی است که نشان دهنده از طول کل لبه ها و مرزهای موجود در درون سیمای سرزمین دارد. متداول ترین متریک محیط لکه ها را در سطح کلاس یا سیمای سرزمین مشخص می نماید (۱۲) (نوحه گر و همکاران ۱۳۹۴). در سال ۱۹۸۷ بیشترین کل حاشیه مربوط به کاربری مناطق بدون پوشش با میزان ۳۹۴۲۳۶۰ متر و پس از آن کاربری مرتعی با میزان ۲۱۶۷۹۲۰ متر و در رتبه سوم مناطق جنگلی با مقدار ۱۹۳۶۹۸۰ متر میباشد و در سال ۲۰۱۷

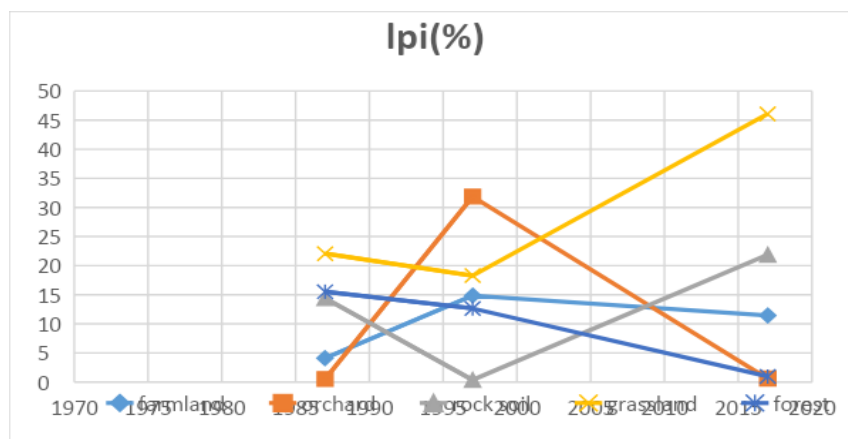
بیشترین کل حاشیه مربوط به کاربری بدون پوشش و لخت با مقدار ۱۸۸۵۳۲۰ متر و پس از آن کاربری باغات با مقدار ۱۰۳۴۴۶۰ متر و در مقام سوم کاربری کشاورزی با مقدار ۹۷۷۹۴۰ متر قرار دارد. بررسی روند تغییرات در این منطقه نشان می‌دهد که کل حاشیه در چهار کاربری جنگل، باغات، بدون پوشش، مرتع روند منفی داشته و کاهش یافته است و به ترتیب برابر است با ۱۳۶۱۸۸۰-، ۱۶۳۸۰-، ۲۰۵۷۰۴۰-، ۱۴۷۱۱۴۰- ولی کاربری کشاورزی افزایش یافته و رشد مثبت داشته و مقدار آن برابر است با ۶۸۴۰ متر و بیشترین کاهش کل حاشیه مربوط به کاربری مناطق بدون پوشش با میزان ۲۰۵۷۰۴۰- متر است



متریك تراكم حاشیه (ED)

متریك تراكم حاشیه با مساحت سیمای سرزمین ارتباط دارد و معادل طول تمامی حاشیه تقسیم بر مساحت است که بیانگر مقدار لبه نسبت به کل مساحت سیمای سرزمین است (۱۲) (نوحه گر و همکاران ۱۳۹۴). بیشترین تراكم حاشیه در سال ۱۹۸۷ مربوط به کاربری مناطق بدون پوشش و لخت با مقدار ۳۲,۲۹۴۱ و پس از آن به ترتیب مربوط به کاربری باغات و مرتع با مقدار ۱۸,۶۰۸ و ۱۷,۷۵۸۷ می باشد در سال ۲۰۱۷ بیشترین تراكم حاشیه مربوط به کاربری مناطق بدون پوشش با مقدار ۱۵,۳۹۸ و پس از آن کاربری باغات با مقدار ۸,۴۴۸۷ و سپس کاربری کشاورزی با مقدار ۷,۹۸۷۱ می باشد. نتایج تغییرات متریك تراكم حاشیه نشان می‌دهد که تراكم حاشیه کاربری های جنگل و باغات و خاک لخت و مرتع کاهش یافته و به ترتیب برابر است با ۱۱,۱۶۹۹-،

۱۰,۱۵۹۳، -۱۶,۸۹۶۱، -۱۲,۰۶۷۹ و تنها کاربری کشاورزی رشد مثبت داشته و میزان آن برابر است با ۰,۰۳۲۳ که بیشترین کاهش تراکم حاشیه مربوط به کاربری مناطق بدون پوشش میباشد و میزان آن برابر است با -۱۶,۸۹۶۱- تنها کاربری کشاورزی افزایش یافته که بیانگر غالبیت تراکم آن میباشد.



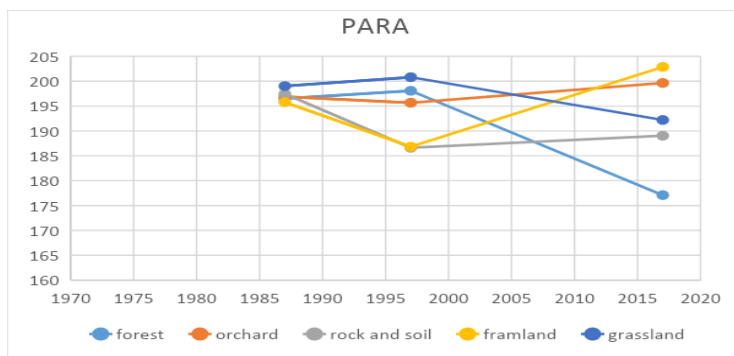
سطح کلاس شاخص LPI

متریک بزرگی لکه (LPI)

این شاخص نشان دهنده درصدی از کل مساحت منطقه است که توسط بزرگترین لکه اشغال شده است به عبارت بهتر غالبیت لکه هارا در سطح سیما نشان میدهد مقادیر این متریک ها بین صفر تا صد متغیر است مقدار صفر نشان دهنده آن است که بزرگترین لکه موجود در کلاس بطور فزاینده ای کوچک میباشد و صد بع این مفهوم است که کل سیمای سرزمین یک لکه در کل منطقه است (۶) (کیانی ۱۳۹۳).

غالبیت لکه در سالهای ۱۹۸۷ و ۲۰۱۷ با کاربری مرتع میباشد و به ترتیب برابر است با ۴۲,۰۶۳۳ و ۴۶,۰۷۰۴ و پس از آن بزرگی لکه در سال ۱۹۸۷ با کاربری جنگل و سپس مناطق بدون پوشش بوده و کوچکترین لکه موجود مربوط به باغات با مقدار ۰,۵۱۴۹ میباشد. ولی در سال ۲۰۱۷ غالبیت بزرگی لکه پس از مرتع با کاربری مناطق بدون پوشش با میزان ۲۱,۸۶۸۲ و سپس کشاورزی با میزان ۱۱,۴۳۹۵ میباشد و کوچکترین لکه ی ممکن در منطقه باغات بوده و با

مقدار ۰,۵۸۴۸ می‌باشد نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که غالبیت لکه‌های کلاس مرتعی - کشاورزی و بدون پوشش افزایش یافته و مناطق جنگل کاهش یافته و میزان برابر است با ۱۴,۵۶۵۷- و کاربری باغات میزان ۰,۶۹۹۹ تغییرات داشته است.



سطح کلاس شاخص PARA

متریک تغییر شکل لکه (PARA)

این متریک بیانگر میزان تغییر شکل کاربری در سطح کلاس می‌باشد. همانطور که مشخص می‌باشد در سال ۱۹۸۷ میزان بیشترین میزان پیچیدگی شکل که با مربوط به کلاس مرتع بوده با مقدار ۱۹۹,۰۱۳۷ و سپس کاربری مناطق بدون پوشش با مقدار ۱۹۷,۴۶۳۹ و پس از آن کاربری باغات با مقدار ۱۹۶,۸۹۹۵ ولی در سال ۲۰۱۷ میزان این پیچیدگی با کاربری کشاورزی بوده با مقدار ۲۰۲,۸۶۲۲ و سپس کاربری باغات با مقدار ۱۹۹,۶۴۸۷ و در رتبه سوم با کاربری مرتع که برابر با ۱۹۲,۲۰۱۲ می‌باشد نتیجه تغییرات نشان می‌دهد که پیچیدگی شکلی برای کاربری جنگل برابر ۱۹,۴۱۹۶- که نشان از ساده شدن شکل لکه است و سپس کاربری خاک لخت با مقدار ۸,۴۲۵۷- بازم ساده شدن شکل است و در رتبه سوم کاربری مرتع با مقدار ۶,۸۱۲۵- می‌باشد ولی برای کاربری‌های دیگر مانند باغات و کشاورزی ما شاهد افزایش پیچیدگی شکلی هستیم و مقدارشان به ترتیب برابر با ۲,۷۴۹۲ و ۷,۰۷۴۴ می‌باشد

نتایج

پس از تهیه نقشه کاربری اراضی / پوشش گیاهی مساحت کلاس پوشش اراضی بدست آمد جهت

مقایسه بهتر تغییرات رخ داده در این دوره ها شکل ترسیم شده نشان می دهد که طی دوره زمانی ۱۹۸۷-۱۹۹۷ وسعت زمینهای کشاورزی به میزان ۷,۳۷ درصد افزایش داشته سپس در سال ۲۰۱۷ میزان ۲,۳۲ درصد نیز رشد داشته سیر صعودی داشته جنگل ها ۶,۱۴ درصد افزایش یافته و در سال ۲۰۱۷ نیز به میزان ۲۱,۷۶ درصد رشد یافته ولی مساحت مناطق مرتعی با کاهش ۵,۹۱ درصد با روند کاهشی روبرو بوده است و همچنین در سال ۲۰۱۷ کاهش داشته به میزان ۳,۴۹ درصد و زمینهای بایر در طی دوره زمانی ۱۹۸۷-۱۹۹۷ روند کاهش مناطق بایر را داریم به میزان ۷,۱۶ درصد ولی در دوره سوم ۲۰۱۷ شاهد افزایش مناطق هستیم باغات نیز در هر سه دوره زمانی روند کاهشی دارد در سال ۱۹۹۷ ۰,۴۶ درصد و در سال ۲۰۱۷ به میزان ۳۲,۴۵ درصد کاهش یافته است نتیجه گیری کلی از اینها این است که بیانگر روند کلی تخریب در منطقه از طریق جایگزین شده مراتع و جنگل ها توسط سایر کاربری ها مانند کشاورزی و زمینهای بایر هستیم لازم به ذکر است که مرتع بخش عمده کاربری منطقه را تشکیل میدهد که بیانگر وضعیت بهتر منطقه در گذشته را نشان میدهد.

محاسبه متریک های سیمای سرزمین نتیجه ی

پایه اصلی محاسبه متریک های سیمای سرزمین نقشه های کاربری اراضی / پوشش گیاهی در مقطع کلاس بوسیله نرم افزار FragStats بودند برای آنالیز و درک متریک های سیمای سرزمین در سطح کلاس توصیه میشود به آنالیز تنها یک شاخص اتکا نشود بلکه به تجزیه و تحلیل دسته ای از متریک ها برای درک بهتر و توصیف دینامیک اکوسیستم ها و ساختار چشم انداز اقدام شود . در جدول مرتبط ترین متریک های چشم انداز در سطح کلاس برای کل منطقه مورد مطالعه برای کلاس های هایی که بیشترین تغییرات را داشتند نشان میدهد . در جدول فوق نتایج بررسی و مقایسه متریک های سیمای سرزمین در طی ۳۰ سال و طی سه دوره زمانی ۱۹۸۷-۱۹۹۷-۲۰۱۷ ارائه شده است بررسی تغییر سیمای سرزمین در منطقه نشان میدهد که طی سه دوره ۱۹۸۷-۱۹۹۷-۲۰۱۷ زمانی وسعت زمین های کشاورزی با روند افزایشی ۹,۹۰ هکتار روبرو بوده است . وسعت پوشش مرتع ۳,۳۷ حوزه روند کاهشی داشته است کاربری کشاورزی بیانگر جایگزینی و تبدیل پوشش طبیعی منطقه (عمدتا مرتع) با زمینهای کشاورزی است . کاهش وسعت مراتع حوزه و افزایش روند کاربری کشاورزی _ مرتع بیانگر تخریب کلی بدلیل از دست

رفتن خاک سطحی و رخنمون شدن خاک زیرین شده و این بدلیل از بین رفتن پوشش طبیعی و مرتع منطقه بخاطر تغییر کاربری از مرتعی به کشاورزی در منطقه و جایگزینی در کاربری‌های ضعیف قرار گرفته است و همچنین با توجه به اینکه در هر سه دوره زمانی میزان اراضی کشاورزی نسبت به مراتع و جنگل‌ها بیشتر شده است میتوان چنین نتیجه‌گیری کرد که این بدلیل افزایش فشار انسانی در عرصه مورد مطالعه است به عبارت دیگر در کل شاهد افزایش جایگزین شدن مراتع توسط کشاورزی و خاک لخت میباشد. کاربری مرتع کلاس عمده چشم انداز در منطقه مورد مطالعه را تشکیل میدهد و مطالعه گویای کاهش میزان مرتع متوسط از لحاظ درصد اشغال شده بوسیله چشم انداز افزایش تعداد لکه‌ها و تراکم لکه‌ها و تراکم حاشیه طی سه دوره زمانی ۱۹۸۷-۱۹۹۷-۲۰۱۷ می‌باشد این نشانگر گسستگی در کلاس مرتع می‌باشد برای نواحی کشاورزی و باغات و مناطق بدون پوشش تعداد لکه‌ها عمدتاً به دلیل افزایش تقاضا برای تولید مواد غذایی و از دست رفتن پوشش گیاهی طبیعی در منطقه افزایش یافته بر اساس مطالب اشاره شده د بالا مهمترین تغییرات مشاهده شده در منطقه مربوط به تعداد لکه‌ها تراکم لکه‌ها و تراکم حاشیه است که با کاهش میانگین اندازه لکه‌ها در هر دوره افزایش یافته است و در خصوص مراتع حوزه بدلیل کاهش سطح پوشش این زمین‌ها در هر سه دوره شاخص تعداد لکه‌ها با توجه به کاهش میانگین اندازه لکه‌ها بصورت فزاینده است. زیرا سیمای سرزمین با میانگین اندازه لکه‌ها تخریب شده تر تلقی میشود. افزایش تعداد لکه‌ها نیز نشانه‌ی تخریب تجزیه و کاهش پیوستگی است در ضمن در هر پنج کاربری کشاورزی، مرتع، باغات، خاک لخت، جنگل، تعداد لکه‌ها کاهش یافته که نشان دهنده افزایش سطح اراضی کشاورزی، مرتع و بروز تخریب در منطقه است. از طریق ایجاد ارتباط بین ساختار و کارکرد سیمای سرزمین می‌توان به ارزیابی سیمای سرزمین به منظور برنامه‌ریزی و مدیریت آن دست یافت. در پژوهش حاضر اثرات بوم‌شناختی تغییر کاربری سرزمین به ساختار طبیعی منطقه حفاظت‌شده سرخ‌آباد بررسی شد. ابتدا تغییر کاربری بین سال‌های ۱۹۸۷-۱۹۹۷-۲۰۱۷ بررسی شد. سپس تغییرات طبقات کاربری‌ها از لحاظ الگوهای سیمای سرزمین و با استفاده از نمایه‌های سیمای سرزمین بررسی شد، در نهایت بر اساس کاربری‌های هر سه دوره برای منطقه تعریف شد و مناطق بیشتر تحت تاثیر مشخص شد. نتایج نشان داد در طی سال‌های

بررسی، مساحت کاربری جنگل و مرتع که محل پناه و زادآوری آهو و خرس و سیاه گوش و پلنگ می‌باشد کاهش یافته است و مساحت مناطق بایر و لخت و کشاورزی افزایش یافته است. بیشترین سهم تغییرات کاربری مربوط به کشاورزی و مرتع و سپس جنگل و تبدیل جنگل‌ها و مراتع به زمین‌های کشاورزی می‌باشد.

تجزیه و تحلیل نمایه‌های سیمای سرزمین بیانگر تعداد لکه‌ها- تراکم حاشیه و کاهش میانگین اندازه لکه در سطح سیمای سرزمین است این نتایج نشان داد که طی سال‌های بررسی شده الگوی سیمای سرزمین به سمت کاهش پیوستگی و افزایش تکه تکه شدگی در حال تغییر است و روند تخریب و تجزیه سیمای سرزمین روند افزایشی بوده است. این موضوع در خصوص کاربری جنگل بسیار در خور توجه است. کاربری کشاورزی از لحاظ مساحت بیشترین درصد را داشته باشد به علاوه مساحت باقی مانده با افزایش تعداد لکه‌ها و کاهش میانگین اندازه لکه‌های جنگلی باقی مانده روبه رو بوده که نمایانگر گسیختگی و تخریب شدید این کاربری است همچنین حاشیه و تراکم حاشیه در لکه‌های جنگلی باقی مانده افزایش یافته است. این موضوع از این جهت مهم است که افزایش حاشیه لکه‌ها باعث افزایش اثرات حاشیه‌ای بر لکه‌های طبیعی می‌شود. نتایج بدست آمده بیانگر لزوم توجه به وضعیت کاربری سرزمین و روند توسعه در منطقه به منظور بهره‌برداری مناسب و منطقی از منابع طبیعی و کاهش تخریب محیط‌زیست است.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، الگو و ساختار سیمای سرزمین در منطقه به شدت دستخوش تغییر شده است و طی سه دهه گذشته روند تغییرات کاربری‌ها و تخریب سیمای سرزمین همچنان ادامه داشته است این موضوع بیانگر آثار منفی فعالیت‌های انسانی بر تغییرات سیمای سرزمین است. یکی از عوامل موثر بر تکه تکه شدگی هر چه بیشتر کاربری‌های منطقه می‌تواند افزایش غیر اصولی شبکه‌های جاده باشد، توسعه این گونه ساخت و سازها باعث از بین رفتن پوشش طبیعی جنگل و بدنبال آن کاهش کیفیت زیستگاه گونه‌های حیات وحش خواهد شد. همچنین تبدیل زمین‌های مرتعی که در پوشش طبیعی منطقه است به زمین‌های کشاورزی (با توجه به اینکه توان هر دو سرزمین برای کاربری کشاورزی مناسب می‌باشد) و از بین رفتن خاک پوششی منطقه است.

منابع:

- طالبی و همکاران تحلیل تخریب سیمای سرزمین حوزه آبخیز نکا با استفاده از سنجه اکولوژی های سیمای سرزمین ۱۳۸۸. ۱۳۳-۱۴۴:۶(۳)
- مخدوم و همکاران ۱۳۸۰-مخدوم م. درویش صفت ع. جعفر زاده ه. ۱۳۸۰-ارزیابی و برنامه ریزی محیط زیست با سامه اطلاعات جغرافیایی - انتشارات دانشگاه تهران - صفحه ۳۰۴.
- لاریجانی، مریم، قسامی فاطمه، یوسفی روییات، الهام ۱۳۹۲، تحلیل اکولوژیک ساخت فضای سبز شهر جیرفت با استفاده از متریک های سیمای سرزمین، فصل نامه آمایش محیط، شماره ۲۵.
- شعبانی، نگین، ابرکار، مهرو، پریور، پرستو، کوچک زاده، محسن ۱۳۸۹ (معرفی و کاربرد رویکرد بوم شناسی سیمای سرزمین در مقیاس شهر (مطالعه موردی: شهر تهران) علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره ۱۲ - شماره ۴.
- زیر دست، لعبت، ساوری، احمد رضا، پریور، پرستو، ستوده، احد، ۱۳۹۴، مقدمه ای بر مفاهیم پایه ی اکولوژی سیمای سرزمین با کاربرد در برنامه ریزی محیط زیست، انتشارات اوای قلم.
- کیانی، واحد ۱۳۹۳. در آمدی بر بوم شناسی سیمای سرزمین انتشارات دی نگار.
- اردکانی، محمد رضا ۱۳۸۲، اکولوژی عمومی، انتشارات دانشگاه تهران.
- کرمی، آرش، فقهی، جهانگیر ۱۳۹۰- بررسی کمی کردن سنجه های سیمای سرزمین در حفاظت از الگوی کاربری اراضی پایدار (مطالعه موردی: استان کهگیلویه و بویر احمد (مجله محیط شناسی).
- میرنوروزی، محمد (۱۳۸۳) ارزیابی ساختار و عملکرد رود دره آباد به روش اکوسیستمی و اکولوژی سیمای سرزمین با استفاده از GIS و ارائه راهکارهای اصلاحی برای حفظ احیاء و توسعه پایدار دره دار آباد، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده محیط زیست تهران، صفحه ۱۷۲.

References

- Apan, A.A., Raine, S.R. and Paterson, M.S (2002). Mapping and Analysis of Changes in the Riparian Landscape Structure of the Lockyer Valley catchment, Queensland, Australia. *Journal of Landscape & Urban Planning*, 59(1), PP:43-57
- Ardakani, Mohammad Reza 2003, *General Ecology*, University of Tehran Press. (in Persian)
- Burel, F., & Baudry, J., (2003), "Landscape Ecology Concepts, Methods And Application. Science Publishers. INS:USA.
- Burel, F., & Baudry, J., (2003), "Landscape Ecology Concepts, Methods And Application.

- Science Publishers. INS:USA.
- Barnes, T.G.,(2000), "Landscape Ecology and Ecosystems Management. Agric. Exten. Serv. Publ. FOR 76.
- Deng, J. S., K. Wang, Y. Hong and J. G. Qi. 2009. Spatio-temporal dynamics and evolution of land use change and landscape pattern in response to rapid urbanization. *Landscape and Urban Planning* 92(3-4): 187-198.
- De Barros, S. F., C. A. Vettorazzi, D. M. Theobald and M. V. R. Ballester. 2005. Landscape dynamics of Amazonian deforestation between 1984 and 2002 in central Rondônia, Brazil: assessment and future scenarios. *Forest Ecology and Management* 204(1): 69-85.
- Dramstad, W.E.; Olson, J.D. & Forman, R.T.T., (1996), "Landscape ecology principles in land- use planning. Harvard University Graduate School of Design and Island press and American Society of Landscape Architecture, 80pp
- Forman, R. and Godron. M. 1986. *Landscape Ecology* (619 p.). New York, Chichester.
- Forman, R. T. T (1995). "Land mosaics: The ecology of landscapes and regions". USA: Cambridge University press. 632 P, ISBN 9780521479806, Cambridge, UK.
- Forman, R.,& Godron, M.,(1986), "Landscape Ecology. USA: John Willy & Sons, Inc. 640p
- Farina, A.,(1998), "Principles and Methods in Landscape Ecology. Chapman and Hall. London. 235pp.
- Farina, A., (2010), "Ecology, cognition and landscape: linking natural and social systems. Springer. pp. 169.
- Herold, M., J. Scepan and K. C. Clarke. 2002. The use of remote sensing and landscape metrics to describe structures and changes in urban land uses. *Environment and Planning* 34(8): 1443-1458.
- Kiani, Unit 1393. *An Introduction to the Ecology of the Landscape of Dey Negar Publications.* (in Persian)
- Karami, Arash, Fiqhi, Jahangir 1390- A study of quantification of land features in the protection of sustainable land use pattern (Case study: Kohkiluyeh and Boyer-Ahmad Province (Journal of Environmental Studies). (in Persian)
- Lausch, A. and F. Herzog. 2002. Applicability of landscape metrics for the monitoring of landscape change: issues of scale, resolution and interpretability. *Ecological indicators* 2(1): 3-15.
- Larijani, Maryam, Ghasami Fatemeh, Yousefi Rupiati, Elham 1392, Ecological analysis of green space construction in Jiroft using land use metrics, *Environmental Management Quarterly*, No. 25. (in Persian).
- Leitao, A.B., Miller, J., Ahern, J. and McGarigal, K (2006). "Measuring Landscapes: A Planners Handbook". Washington D.C: Island Press. PP:250.-29- Ahern, j. and Andre, L (2003). "Applying landscape ecological concepts and metrics in sustainable landscape planning" *Landscape and Urban Planning*, 59, PP: 65-93.
- McGarigal, K. and B. J. Marks. 1995. Spatial pattern analysis program for quantifying landscape structure. Gen. Tech. Rep. PNW-GTR-351. US Department of Agriculture, Forest Service, Pacific Northwest Research Station.
- Makhdoom et al. 2001-Makhdoom .M.- Environmental assessment and planning with geographical information - University of Tehran Press - Page 304. (in Persian)

- Mirnorozzi, Mohammad (2004) Evaluation of structure and performance of Darreh Abad river by ecosystem method and ecology of land using GIS and providing corrective solutions to maintain the revitalization and sustainable development of Darreh Abad, M.Sc. Thesis, Faculty of Environment, Tehran, Iran 172. (in Persian)
- Narumalani, S., D. R. Mishra and R.G. Rothwell. 2004. Change detection and landscape metrics for inferring anthropogenic processes in the greater EFMO area. *Remote Sensing of Environment* 91(3-4): 478-489.
- Nagendra, H. 2000. Estimating landscape pattern from supervised and unsupervised classification: studies in the Western Ghats, India. *International Archives of Photogrammetry and Remote Sensing* 33(7): 955-961.
- Seto. K. C. and M. Fragkias. 2005. Quantifying spatiotemporal patterns of urban land-use change in four cities of China with time series landscape metrics. *Landscape Ecology* 20(7): 871-888.
- Shabani, Negin, Abarkar, Mehro, Parivar, Parasto, Kouchakzadeh, Mohsen 1389 (Introduction and application of the ecological approach of land appearance in the city scale (Case study: Tehran) *Environmental Science and Technology*, Volume 12 - Number 4. (in Persian)
- Talebi et al. - 2009 Analysis of land degradation in Neka watershed using ecological measures of environmental land 133-144: (3) 6(in Persian)
- Uuemaa, E., U. Mander and R. Marja. 2013. Trends in the use of landscape spatial metrics as landscape indicators: A review. *Ecological Indicators* 28(0): 100-106.
- Zabr-e-Dast, Labat, Savari, Ahmad Reza, Parivar, Parasto, Sotoudeh, Ahad, 1394, Introduction to the basic concepts of ecology of land use with application in environmental planning, Avae Ghalam Publications. (in Persian)